

Explaining the social functions of Dorothea Lange's photographs in the face of the Great Depression

ISSN (P): 2980-7956
ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.525631.1120

Pejman Dadkhah^{1*} , Somayyeh Shareei²³ 

*¹ Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Photography, Faculty of Art, Iqbal Lahori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Email: p.dadkhah@eqbal.ac.ir

² Master of Photography, Faculty of Art, Iqbal Lahori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Citation: Dadkhah, P. & Shareei, S. (2025), "Explaining the social functions of Dorothea Lange's photographs in the face of the Great Depression", *Journal of Interdisciplinary Studies of Visual Arts*, 2025, 4 (8), P. 31-50.

Received: 31 May 2025

Revised: 19 September 2025

Accepted: 20 September 2025

Published: 22 September 2025

Abstract

This article examines the social functions of documentary photography, focusing on the works of Dorothea Lange during the Great Depression. The Great Depression of the 1930s subjected millions of farmers and workers to unemployment, poverty, and forced migration. Under these circumstances, the U.S. government implemented a project supervised by the Farm Security Administration (FSA) to document the realities of people's lives and garner public support. Dorothea Lange, as one of the most prominent photographers of this project, was able to portray the harsh conditions of disadvantaged families and give a voice to the voiceless, bringing their struggles to the attention of the public and policymakers. The main issue of this research is the analysis of the role of documentary photography in reflecting social issues and its impact on public awareness and social change. The primary aim of this study is to understand the social functions of documentary photography and Dorothea Lange's role in depicting the social conditions of her time. The research questions are: 1-What social functions can be identified for documentary photography? 2- How did Dorothea Lange's works during the Great Depression reflect social issues and influence society? 3- How can documentary photography contribute to raising awareness and creating social change? The research method is descriptive-analytical, with a fundamental approach based on sociological theory. A case-study sampling method was used to examine Dorothea Lange's works. Data collection was conducted through library-based research. The results indicate that Lange's works were not merely representations of the economic crisis; they played an active role in eliciting public empathy, increasing social awareness, and even influencing government support policies. Therefore, Dorothea Lange's collaboration with the FSA during the Great Depression exemplifies the power of documentary photography as a tool for social and cultural change—a tool that continues to inspire and influence the world today.

Keywords: Documentary Photography, Sociology of Photography, FSA Photographers, Dorothea Lange, FSA Farm security administration.

تبیین کارکردهای اجتماعی عکس‌های دوروتیا لانگ در مواجهه با رکود بزرگ اقتصادی

ISSN (P): 2980-7956
ISSN (E): 2821-2452

 10.22034/jivsa.2025.525631.1120

پژمان دادخواه^{۱*}، سمیه شارعی^۲

^{۱*} نویسنده مسئول: استادیار گروه عکاسی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران

Email: p.dadkhah@eqbal.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد عکاسی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

چکیده

این مقاله به بررسی کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند، با تمرکز بر آثار دوروتیا لانگ در دوران رکود بزرگ اقتصادی، می‌پردازد. رکود اقتصادی بزرگ دهه ۱۹۳۰، میلیون‌ها نفر از کشاورزان و کارگران را با بیکاری، فقر و مهاجرت اجباری مواجه ساخت. در این شرایط، دولت ایالات متحده پروژه‌ای تحت نظارت اداره حفاظت از مزارع FSA برای مستندسازی واقعیت‌های زندگی مردم و جلب حمایت عمومی به اجرا گذاشت. دوروتیا لانگ، به عنوان یکی از برجسته‌ترین عکاسان این پروژه، توانست به بازنمایی عمیق شرایط دشوار خانواده‌های محروم بپردازد و صدای بی‌صدایان جامعه را به گوش مردم و سیاست‌گذاران برساند. مسئله اصلی پژوهش، تحلیل نقش عکاسی مستند در بازتاب مسائل اجتماعی و تاثیر آن بر آگاهی عمومی و تغییرات اجتماعی است. هدف اصلی این تحقیق، شناخت کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند و نقش دوروتیا لانگ در بازتاب شرایط اجتماعی زمان خود است. پرسش‌های پژوهش: ۱. چه کارکردهایی برای عکاسی مستند در حوزه مسائل اجتماعی قابل شناسایی است؟ ۲. چگونه آثار دوروتیا لانگ در دوران رکود بزرگ به بازتاب مسائل اجتماعی و تاثیرگذاری بر جامعه پرداخته‌اند؟ ۳. چگونه عکاسی مستند می‌تواند به آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی کمک کند؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و رویکرد این پژوهش به صورت بنیادی و بر اساس نظریه جامعه‌شناختی بوده و از روش نمونه‌گیری موردی برای بررسی آثار دوروتیا لانگ استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آثار لانگ صرفاً بازنمایی بحران اقتصادی نبوده، بلکه نقشی فعال در برانگیختن احساس همدلی عمومی، افزایش آگاهی اجتماعی و حتی تاثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های حمایتی دولت داشتند. بنابراین، همکاری دوروتیا لانگ با گروه FSA در بستر رکود بزرگ، نمونه‌ای شاخص از قدرت عکاسی مستند به عنوان ابزاری برای ایجاد تغییرات اجتماعی و فرهنگی است؛ ابزاری که همچنان در جهان امروز قابلیت تاثیرگذاری و الهام‌بخشی دارد.

کلیدواژه‌ها: عکاسی مستند، جامعه‌شناسی عکاسی، دوروتیا لانگ، اداره حفاظت از مزارع FSA.

۱. مقدمه

عکاسی به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند هنر، همواره نقش مهمی در بازتاب و تحلیل مسائل اجتماعی ایفا کرده است. این مقله با تمرکز ویژه بر آثار دوروتیا لانگ در دوران رکود بزرگ اقتصادی آمریکا، به بررسی نقش عکاسی مستند به عنوان یک ابزار هنری و اجتماعی در بازتاب و تحلیل مسائل اجتماعی می‌پردازد. رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ با فقر گسترده، بیکاری و مهاجرت‌های اجباری همراه بود و در این شرایط، لانگ به عنوان یکی از عکاسان برجسته مستند و عضو گروه با نام FSA با ثبت تصاویر از فقر و نابرابری اجتماعی، توانست به نمایش واقعیت‌های دردناک زمانه خود بپردازد و توجه مردم و مسئولان را به این مشکلات جلب کند. ضرورت این تحقیق در این است که با شناسایی و تحلیل کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند، می‌توان درک بهتری از توانایی این هنر در بازنمایی مسائل اجتماعی و ایجاد تغییرات مثبت اجتماعی پیدا کرد. این پژوهش همچنین تلاش دارد تا اهمیت استفاده از هنر مستند را به عنوان یک ابزار تاثیرگذار برای انتقال مسائل اجتماعی و همدلی‌افزایی، بیش از پیش نمایان سازد. هدف اصلی پژوهش، بررسی کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند و نقش دوروتیا لانگ در بازتاب مسائل اجتماعی و اقتصادی زمانه او است و اینکه عکاسی مستند چگونه می‌تواند به آگاهی عمومی کمک کرده و به عنوان ابزاری برای اصلاحات اجتماعی عمل کند. پرسش‌های پژوهش: ۱. چه کارکردهایی برای عکاسی مستند در حوزه مسائل اجتماعی قابل شناسایی است؟ ۲. چگونه آثار دوروتیا لانگ در دوران رکود بزرگ به بازتاب مسائل اجتماعی و تاثیرگذاری بر جامعه پرداخته‌اند؟ ۳. چگونه عکاسی مستند می‌تواند به آگاهی‌بخشی و ایجاد تغییرات اجتماعی کمک کند؟

پیشینه پژوهش

ویلفرید بتس^۱ در «کتاب نقره‌ای [تاریخ فشرده عکاسی]»، ترجمه کیارنگ علایی (۱۳۹۰) به طور مختصر به اصطلاح «مستند اجتماعی» به عنوان مناسب‌ترین واژه برای توصیف عکس‌های مربوط به پروژه مفصل «اداره حفاظت از مزارع» که به FSA^۲ شناخته شد در دوران رکود اقتصادی آمریکا در

دهه ۱۹۳۰ یاد می‌کند. لنا هژیر (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه ی تأثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز» به مطالعه و شناسایی تأثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز پرداخته است. ژیزل فروند^۳ (۱۴۰۰) در کتاب «جامعه‌شناسی عکاسی (عکاسی در فرانسه قرن نوزدهم - جستاری جامعه‌شناختی و زیباشناختی)»، به ترجمه مریم وحدتی به بررسی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی عکاسی در جامعه می‌پردازد. این کتاب با تحلیل جامعه‌شناختی، به نقش عکاسی در بازنمایی واقعیت‌ها، ثبت تحولات اجتماعی و تأثیرات آن بر مخاطبان می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تصاویر عکاسی می‌توانند ابزاری برای آگاهی‌بخشی، نقد اجتماعی و حتی ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی باشند. نیومی روزنبوم^۴ (۱۴۰۰) در کتاب «تاریخ جهانی عکاسی»، به بررسی روند تحول عکاسی از آغاز تا دوران معاصر پرداخته و تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و فنی آن را در سطح جهانی تحلیل می‌کند. این کتاب با ارائه اطلاعات جامع درباره سبک‌ها، تکنیک‌ها و جنبش‌های عکاسی در دوره‌های مختلف، نقش عکاسی در مستندسازی تاریخ و تحولات اجتماعی را برجسته می‌سازد و اهمیت آن در انتقال مفاهیم و واقعیت‌های اجتماعی را نشان می‌دهد.

این پژوهش با تمرکز بر کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند در دوران رکود بزرگ، ابعاد جدیدی به تحقیقات قبلی اضافه کرده است. نخست، با تحلیل آثار دوروتیا لانگ، تأثیر عکاسی مستند را در آگاهی‌بخشی و همبستگی اجتماعی نشان می‌دهد. دوم، از رویکرد جامعه‌شناسی هنر برای بررسی عمیق‌تر تعامل میان هنر و مسائل اجتماعی بهره می‌گیرد. همچنین، پیشنهادهایی برای استفاده از عکاسی مستند در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و آموزشی ارائه می‌کند، که کاربردهای عملی این هنر در حل مسائل اجتماعی معاصر را برجسته‌تر می‌سازد.

روش پژوهش

این تحقیق با رویکرد نظری جامعه‌شناسی هنر و مطالعات فرهنگی، پیوند میان هنر و ساختارهای اجتماعی را تحلیل می‌کند. در این چارچوب، عکاسی مستند به عنوان یک بیان هنری-اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که به بازتاب شرایط

که پیش‌تر بوده و اکنون نیست، لحظه‌ای که ردی از آن رخداد را در عکس باقی گذاشته است. به‌موجب همین رد است که عکس را واجد ارتباطی خاص با امر واقع می‌دانند.» (ولز، ۱۳۹۲، ص ۹۷).

۲-۲. رئالیسم اجتماعی

به عقیده لوکاچ تمام اندیشه‌ها و احساسات بشر با زندگی اجتماعی پیوندی ناگسستنی دارد. مهمترین اصول مکتب رئالیسم اجتماعی به اجمال عبارتند از: انتقاد از وضعیت موجود و تلاش برای شرایط بهتر، ستودن کار و طبیعت، امید به آینده و خوش بینی، طرد درون گرایی (لوکاچ، ۱۳۸۱، ص ۱۹-۱۸).

۲-۲-۱. جامعه‌شناسی عکاسی

هوارد بکر^{vi} در مقاله «عکاسی و جامعه‌شناسی» استدلال می‌کند که: عکاسی و جامعه‌شناسی تولدی هم زمان داشته‌اند؛ اگر تولد علم جامعه‌شناسی را انتشار نوشته‌های کنت^{viii} به شمار آوریم که اصطلاح «جامعه‌شناسی» را برای نخستین بار بدین علم اطلاق کرد و تولد عکاسی را تاریخی بدانیم که در سال ۱۸۳۹ داگر^{ix} شیوه خود را برای ثبت تصویر بر روی صفحه فلزی برای همگان شرح داد. از همان آغاز، این دو (جامعه‌شناسی و عکاسی) به موضوعات متنوعی پرداختند. یکی از این موضوعاتی که برای هر دوی آن‌ها از اهمیت برخوردار بود، مطالعه و شناخت جامعه بود... عکاسی، طرح پرسش از چیزهایی است که ما عادی از کنار آن می‌گذریم. همان‌طور که جامعه‌شناسی هم بیان دردمندانه‌ای امور بدیهی است که به نحو دردمندانه‌ای بدیهی پنداشته شده‌اند. جامعه‌شناسان حداقل در سه زمینه زیر با دوربین و عکاسی ارتباط نزدیک داشته‌اند:

۱- عکاسی و دوربین به‌عنوان ابزار تحقیق

به طور مشخص می‌توان از دوربین برای شناخت گروه‌های کوچک، مردم‌نگاری، مطالعات تاریخ شفاهی، مطالعه فضاهای شهری و بسیاری زمینه‌ها استفاده کرد. دوربین‌ها کمک می‌کنند تا محققان جزئیات زیادی از کنش‌ها و پدیده‌های اجتماعی را ثبت و ضبط، مشاهده و وضعیت‌های اجتماعی را شناسایی و برای نسل‌های آینده محفوظ نمایند.

اجتماعی زمان خود و ایجاد همبستگی میان مخاطبان می‌پردازد. پژوهش از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی بهره برده و ابزار گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای است. با انتخاب پنج اثر از آثار دوروتیا لانگ به عنوان نمونه، این تحقیق سعی دارد کارکردهای اجتماعی عکاسی مستند را از خلال تحلیل محتوای آثار او استخراج و بررسی کند. جامعه آماری پژوهش شامل تصاویر ثبت‌شده توسط دوروتیا لانگ؛ عکاس مستند اجتماعی دوران رکود بزرگ اقتصادی است. این عکاس عضو پروژه FSA بود که هدف آن مستندسازی شرایط زندگی مردم در دوران رکود بزرگ بود. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و هدفمند استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش به‌صورت کیفی هستند؛ چون به‌صورت متنی ثبت شدند و بدین منظور آثار عکاسان از نظر فرم، محتوا و سبک طبقه‌بندی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. عکاسی مستند

واژه عکاسی مستند در سال‌های رکود اقتصادی رسمیت پیدا کرد؛ زمانی که شرایط دشوار کشاورزان موجب شد تا مردم آمریکا نیاز به اصلاحات اجتماعی را بیش‌ازپیش احساس کنند. حکم تصویر در عکاسی مستند مانند یک سند تاریخی ست که در هر لحظه گواه یک موضوع، هدف اجتماعی و یا سیاسی است.

واژه سند در ارتباط با عکاسی برای نخستین بار در اوایل قرن بیستم توسط «ژان اوژان آگوست آتزه^v» بکار برده شد. عکس مستند، عکسی است که آنچه در واقعیت وجود دارد و آنچه که از آن عکس برداشت می‌شود، هر دو یکی باشند. عکاسی مستند، نمایش دنیای واقعی توسط عکاس است که قصدش تحلیل و تفهیم چیزی مهم به بیننده است و یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد عکاسی مستند، توانایی آن در تأثیرنهادن بر افکار عمومی و روند رویدادهاست (گلچین کوهی، ۱۳۸۹، ص ۷).

رولان بارت^{vi} درباره سرشت عکاسی می‌گوید: «تصویر عکاسی حاصل رخدادی در جهان است، گواهی است از گذر لحظه‌ای

۲- عکاسی و عکس به مثابه بازنمایی جامعه

جامعه‌شناسان تصاویر و عکس‌ها را به مثابه بخشی از فرهنگ هر جامعه تحلیل می‌نمایند... در دنیای کنونی تصویر و عکس در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ما حضور دارد. ما در عصر بازنمایی تصویر همه چیز زندگی می‌کنیم.

۳- عکاسی و عکس به مثابه سوژه و ابژه تحقیق

در اینجا جامعه‌شناس با ابعاد اجتماعی فعالیت به نام عکس‌گرفتن و پدیده اجتماعی به نام عکاسی سروکار دارد. او می‌خواهد از منظر جامعه‌شناختی تعریفی از عکاسی ارائه دهد (فاضلی، ۱۴۰۰، ص ۲۵۰-۲۴۹).

۲-۲-۲. کارکردهای اجتماعی عکس

عکس‌ها ارزشمندند به این دلیل که به ما اطلاعات می‌دهند. عکس‌ها به ما می‌گویند که واقعیت از چه قرار است؛ عکس‌ها فهرست ایجاد می‌کنند. آن‌ها برای هواشناسان، مأموران پزشک قانونی، باستان‌شناسان و سایر متخصصین اطلاعات بی‌اندازه ارزشمندند (سانتاگ، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

عکس‌ها با شیوه‌ها و اهداف متنوع در کاربری، موجب سردرگمی یا روشننگری شده و یا گاه سکون و تحرک ایجاد کرده‌اند. این‌گونه به نظر می‌رسد که آن‌ها با مداخله بین مردم و تجارب مستقیم‌شان، بیش از ذات و مفهوم، اغلب به‌ظاهر و نمود پرداخت کرده‌اند. عکس‌ها به اشیاء ایدئولوژی‌ها و شخصیت‌ها جذابیت اغواکننده‌ای داده و یا گاه لباس رسوایی بر تن آن‌ها پوشانده‌اند. عکس‌ها، از یک امر فوق‌العاده عادی و پیش‌پاافتاده یک چیز عجیب و غریب ساخته‌اند. در عین حال، عکس‌ها دیدگاه‌های کوچک را بزرگ نشان داده و برای حفظ پدیده‌های طبیعی منحصربه‌فرد وارد عمل شده و جلوه‌ای ارزشمند به محصولات فرهنگی داده‌اند. مردم بر مبنای شواهد تصویری خود، نسبت به نابرابری‌های شرایط اجتماعی و نیاز به اصلاحات متقاعد شده‌اند.

اگر علل فقر که نتیجه رفتار نادرست و گناه‌آلود قدرتمندان است مستوجب مکافات نبود، مفهوم استفاده از مستندنگاری با دوربین عکاسی برای بهبود شرایط اجتماعی تکامل پیدا نمی‌کرد. باوجود این، حتی قبل از چنین نگرش‌های اعتراضی کالونینیستی^x (اصلاح‌طلبانه) مبنی بر بهبود شرایط مسکن و

شرایط کار که امکان رفتار بهتر و نیروی کار کارآمدتر را فراهم می‌کرد، عکس در روند مبارزات برای بهبود جوامع، جایگاهی برای خود پیدا کرده بود (روزنبلوم، ۱۴۰۰، ص ۵۳۱). موارد ذیل نمونه‌ای از کارکردهای اجتماعی عکس هستند: انتشار عکس‌های مستند اجتماعی در نشریات، پرتبه به مثابه سند اجتماعی، مستندنگاری توسعه صنعتی، رویدادهای خبرساز و عکس‌های آنی/فوری، زندگی روزمره و آداب و رسوم قومی، مستندنگاری علمی و پزشکی، مستندنگاری از جنگ‌ها و مناقشه‌ها، مستندنگاری عکاسانه و هنر گرافیک، مستندنگاری صحنه‌های اجتماعی، هواشناسان، باستان‌شناسان و... (همان، ص ۵۳۸).

۲-۳. گروه FSA

رکود بزرگ در فاصله بین دو جنگ جهانی، اقتصاد ایالات متحده آمریکا که بر پایه سیستم سرمایه‌داری استوار بود، همانند فراز و فرودهای پیشین خود، پس از یک دور کاذب از رونق، دچار رکود شد. (هژیر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۴) این دوره که از سال ۱۹۳۱ شروع شده بود و حدود ده سال به طول انجامید، با نرخ بالای بیکاری، ناآرامی‌های کارگری و فاجعه کشاورزی توأم با خشکسالی و سوءاستفاده از زمین همراه بود. فقر روستایی همه‌جانبه به موجی از مهاجرت‌های داخلی منجر شد و خانواده‌ها در پی اشتغال و همچنین در جست‌وجو برای زمین‌های کشاورزی از مناطق مرکزی به سوی غرب روانه شدند. (روزنبلوم، ۱۴۰۰، ص ۵۵۴) سازمان FSA [اداره حفاظت از مزارع] که بنا به تصمیم رئیس‌جمهور وقت فرانکلین دلانو روزولت^{xi} برای کمک به تأمین نیازهای مالی و سرمایه‌های کشاورزان راه افتاده بود، در بخش تاریخی خود روی استرایکر را به‌عنوان مدیر پروژه عکاسی انتخاب کرد. او که خودش عکاس نبود، جمعی از بهترین عکاسان این ژانر را دور خودش جمع کرد: واکر اونز^{xii}، دوروتیا لانگ^{xiii}، راسل لی^{xiv}، بن شان^{xv}، آرتور روتشتاین^{xvi} و کارل میدانز^{xvii}. این گروه نخبه‌چیزی حدود ۷۵ هزار عکس نهایی به آرشیو این سازمان تحویل دادند (باتس، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱).

عکس‌های اداره امنیت کشاورزی با زیرنویس در روزنامه‌ها و مجلات پخش گشت؛ نمایشگاه‌ها به واشنگتن‌دی‌سی،

۳. ارزیابی آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ در دوره رکود بزرگ

در این بخش، به ارایه پنج اثر از آثار دوروتیا لانگ عکاس اداره حفاظت از مزارع FSA و تحلیل آنها باتوجه به نمایش رکود بزرگ با تاکید بر رئالیسم اجتماعی حاکم بر آن دوره پرداخته می‌شود.



تصویر ۱. مادر مهاجر، نیپومو، کالیفرنیا، ۱۹۳۶ (URL1)

تحلیل تصویر ۱. این قطعه عکس «مادر مهاجر» نام دارد؛ این عکس زنی به نام فلورانس اونس تامپسون^{xviii} کشاورز سی و دو ساله مهاجر را به همراه سه فرزندش نشان می‌دهد. این تصویر دارای کادری بسته و عمودی، زاویه دوربین هم‌تراز چشم^{xi}، عمق میدان کوچک^{xx}، ترکیب‌بندی به صورت متقارن و با نمای نزدیک متوسط^{xxi} به ثبت رسیده است. این عکس، یکی از پنج عکسی است که دوروتیا لانگ در سال ۱۹۳۶ طی مأموریتش برای دولت آمریکا در راستای برنامه اداره امنیت کشاورزی (FSA) در اردوگاه کارگران مهاجر در نیپومو، کالیفرنیا ثبت کرده است. «تزدیک به ۳۰ سال پس از این رویداد، دوروتیا لانگ در مقاله‌ای با عنوان «مأموریتی که هیچگاه فراموش نمی‌کنم»، روایت خود را از چگونگی خلق

نیوپورک و سایر شهرها فرستاده شد... حمایت‌های مردمی شروع شد و به‌زودی کمک دولت جهت برنامه‌های اسکان مجدد افزایش یافت - اردوگاه‌های انتقال برپا شد، کار ایجاد گشت، برای شروع مجدد به مردم کمک شد. این امر نمونه‌ای است عالی از گروه کوچکی از عکاسان که موفق به تغییر اوضاع شدند. اداره امنیت کشاورزی از ۱۹۳۵ باقی ماند تا به سال ۱۹۴۱ جذب اداره اطلاعات جنگ ایالات متحده گردید (لنگفورد، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵-۱۱۴).

۲-۴. دوروتیا لانگ

دوروتیا لانگ (۱۸۹۵-۱۹۶۵)، از عکاسان تاثیرگذار در حوزه مستند اجتماعی آمریکا بود که شهرت خود را به واسطه مجموعه آثاری که در دوره رکود بزرگ اقتصادی دهه ۱۹۳۰ تهیه کرد، به دست آورد. لانگ در نیوجرسی آمریکا چشم به جهان گشود. وی عکاسی را زیر نظر کلارنس اچ. وایت پی گرفت و به طور غیررسمی در چند استودیو شاگردی کرد (هژیر و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۶).

لانگ هم‌زمان با سقوط بازار سهام در سال ۱۹۲۹ و فروپاشی دنیای پیرامونش، کار پرتره‌نگاری در استودیو را کنار گذاشت و تصمیم گرفت از تاثیر این رکود بر مردم و فقرا و بی‌خانمان‌های ناشی از آن در خیابان‌های سانفرانسیسکو عکاسی کند. معروف‌ترین کار لانگ مادر مهاجر است که مهارت او را در خلق تصویرهای انسانی که حس همدلی را برمی‌انگیزد نشان می‌دهد... عکس‌های او حتی باعث شد که مقامات مسوول در جهت ترفیع رنج و گرفتاری‌های خانواده‌های کشاورز مهاجر مشغول در مزارع اقدامات فوری انجام دهند (روزنبلوم، ۱۴۰۰، ص ۵۸۱).

وی در سال ۱۹۴۱، موفق به دریافت بورسیه گوگنهایم شد و در همان سال، پس از حمله ژاپن به بندر پل هاربر، به سفارش ارتش آمریکا از اردوگاه موقت ژاپنی‌ها و نحوه زندگی‌شان عکاسی کرد. با پایان جنگ جهانی دوم، لانگ به عضویت هیات علمی مدرسه هنرهای زیبای کالیفرنیا در آمد و در سال ۱۹۵۱ در تاسیس مجله عکاسی اپرچر نیز مشارکت کرد. وی در سال ۱۹۶۵ در سن ۷۰ سالگی در اثر سرطان مری درگذشت (حمیدیان و توکلی، ۱۳۹۲، ص ۲۸۹).

این عکس برای ما شرح می‌دهد:

آن مادر گرسنه و درمانده را که گویی مسحور شده بود، دیدم و به او نزدیک شدم. به یاد نمی‌آورم چطور حضور خود و دوربینم را برای او توضیح دادم، اما به یاد دارم که او چیزی از من نپرسید. من درحالی که به او نزدیک شدم، از همان زاویه پنج عکس گرفتم. اسمش را نپرسیدم و در مورد سرگذشتش سوالی نکردم. به من گفت که ۳۲ سال دارد. گفت که با خوردن سبزیجات یخ زده‌ای که از مزارع اطراف به دست می‌آورند و پرندگانی که بچه‌ها شکار می‌کنند، زنده‌اند. همین چندی پیش لاستیکهای ماشینش را فروخته بود، تا غذایی بخرد. او آنجا در آن چادر که سقفی شبیدار داشت، نشسته بود و بچه‌هایش دورش کز کرده بودند و انگار میدانست عکس‌های من ممکن است، کمکش کنند. پس او هم کمکم کرد. از این نظر به‌نوعی با هم برابر بودیم.» (ولز، ۱۳۹۲، ص ۵۷).

فلورانس در مرکز تصویر و توجه قرار دارد. کودکان در دو طرف او به‌صورت متقارن قرار گرفته‌اند که این ترکیب‌بندی تعادلی بصری ایجاد می‌کند و به‌گونه‌ای است که نگاه بیننده را از چهره زن به سمت کودکان و بالعکس هدایت می‌کند. نوزادی شیرخواره با صورتی کشیف نیز در آغوش مادر آرام‌گرفته است. نورپردازی طبیعی و ملایم که باعث ایجاد سایه‌های نرم و غیر تند شده است، جزئیات چهره و لباس‌ها را به‌خوبی نمایش می‌دهد و حس واقع‌گرایی و زنده‌بودن به تصویر می‌بخشد. کنتراست میان لباس‌های تیره و پس‌زمینه روشن‌تر باعث می‌شود احساسات موجود در چهره زن چهره و دست‌های فلورانس بیشتر به چشم بیایند. عکاس با انتخاب نوع عدسی به‌صورت تله‌فتو، حس کنجکاوی را برای مخاطب ایجاد می‌کند تا بخواهد رمز و راز نهفته در چهره مادر را کشف و چه‌بسا خود را در شرایط وی قرار داده تا سختی تحمل چنین اوضاع اسفناک و رنج به وجود آمده از مهاجرت و ویرانگی آمل و آرزوهای بربادرفته آنها را درک کند.

چهره فلورانس پر از خطوطی است که نشانه‌های نگرانی و خستگی هستند. نگاه خیره به دوردست، حالتی از ناامیدی و عدم اطمینان به آینده را نشان می‌دهد. کودکان با سرهای ژولیده در دو طرف مادر قرار دارند و به او تکیه داده‌اند که

نشان‌دهنده وابستگی و نیاز به حمایت است. در این تصویر گویی تنها مادر است که بیدار و هشیار مانده است. دست فلورانس که زیر چانه‌اش قرار دارد، نشان‌دهنده تفکر و اندیشه است. او به‌عنوان ستون خانواده نشان داده شده است، کسی که باید در برابر مشکلات ایستادگی کند و از کودکانش مراقبت کند. لباس‌های کهنه و پاره، حالت چهره و وضعیت نشستن فلورانس و کودکانش، همه نشانه‌های واضحی از زندگی سخت و مشقت‌بار هستند.

از نظر نمادگرایی و تاثیر اجتماعی، این عکس به یکی از نمادهای رکود بزرگ تبدیل شده است. تصویری که به‌خوبی وضعیت سخت و مشقت‌های مردم در این دوران را به نمایش می‌گذارد و به‌عنوان سندی تاریخی از این دوره باقی‌مانده است.

این تصویر نمادی از استقامت و مقاومت انسانی و زنان در برابر مشکلات و سختی‌هاست. زیرا با وجود تمامی مشکلات، فلورانس و کودکانش همچنان به زندگی ادامه می‌دهند. زن با عدم حضور پدر، در مرکز تصویر قرار دارد و به‌عنوان ستون خانواده نشان داده شده است. او مسوولیت مراقبت از کودکانش را بر عهده دارد و باید در برابر مشکلات ایستادگی کند.

«لانگ این عکس نمادین را با تقلید از شمایل‌نگاری مشهور مسیحی مریم و عیسی نوزاد خلق کرد تا بینندگان دهه ۱۹۳۰ را وادار کند که شفقت مذهبی را به خانواده‌های روستایی که قحطی را تجربه می‌کنند، گسترش دهند. حس دقیق ترکیب‌بندی و توجه او به قدرت تصاویر تاریخی مادر و کودک به این عکس کمک کرده است تا از عملکرد مستند اولیه خود فراتر رفته و به یک اثر هنری نمادین تبدیل شود.» (URL2)

جان پالتس در تحلیل این تصویر نیز چنین می‌گوید: «این تصویر پیرامون برخی نگرش‌ها در مورد بدن زن از جمله مفهوم مادر پرورش‌دهنده فرزند، به وجود آمده است. لانگ از تصاویر سنتی مانند تصاویر مریم مقدس و مسیح کودک در دوره رنسانس و نسخه‌های غیرمذهبی آن کمک گرفته است، نسخه‌هایی که انتشار آن از اواسط سده نوزدهم با پیدایش آیین ویکتوریایی زندگی خانوادگی آغاز شد. وانگهی، اگرچه تصویر مادر مهاجر در مکانی عمومی خلق شد، کادر بسته

عکس در قاب تصویر یک فضای درونی امن و زنانه به وجود آورده است.» (ولز، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

دوروتیا لانگ با عکس‌هایش توانست توجه عموم را به وضعیت مهاجران جلب کند. این عکس تأثیر زیادی بر جامعه داشته و به آگاهی‌بخشی مردم درباره وضعیت دشوار مهاجران، فقر و نیاز به کمک‌های اجتماعی کمک کرده است. تصاویر مانند این باعث شدند که مردم و سیاست‌مداران به نیازهای فوری و بحرانی اقشار فقیرتر جامعه بیشتر توجه کنند و سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی بهبود یابند. عکس "مادر مهاجر" نقدی بر شرایط اجتماعی و اقتصادی دوران رکود بزرگ است. این تصویر به خوبی نشان می‌دهد که چگونه بحران اقتصادی می‌تواند زندگی مردم عادی را تحت تأثیر قرار دهد و باعث رنج و مشقت آنها شود. عکس "مادر مهاجر" یکی از نمونه‌های برجسته عکاسی مستند است که تأثیرات عمیقی بر این ژانر از عکاسی داشته و به عنوان یکی از نمونه‌های برتر عکاسی مستند اجتماعی شناخته می‌شود. این عکس نیز به یکی از نمادهای فرهنگی ماندگار تبدیل شده است و در کتاب‌ها، مقالات، نمایشگاه‌ها و مستندهای متعددی به نمایش درآمده و همچنان به عنوان یکی از تصاویر برجسته و تأثیرگذار تاریخ شناخته می‌شود.



تصویر ۲. خانواده کارگر کشاورزی مهاجر، نیپومو، کالیفرنیا، ۱۹۳۶
(URL3)

تحلیل تصویر ۲. این عکس «خانواده کارگر کشاورز مهاجر» نام دارد که دارای کادری باز و افقی به رنگ سیاه و سفید است

و با نور طبیعی روز، با زاویه هم‌تراز چشم، با نمای دور^{xxi i} و با عمق میدان گسترده^{xxi ii} به ثبت رسیده است. ناتالی دوپچر^{xxi v} (محقق مستقل، 2018) در مقاله‌ای حاصل از تحقیقاتش درباره آثار لانگ و مادر مهاجر چنین نوشته است:

«در ۱۰ مارس ۱۹۳۶، دو عکس لانگ از اردوگاه نخودچیان نیپومو در روزنامه سانفرانسیسکو تحت عنوان «کارگران کشاورزی ژنده‌پوش گرسنه، با صورت‌های تکیده در تهدیدستی زندگی می‌کنند» منتشر شد. روز بعد، در ۱۱ مارس، عکسی که به مادر مهاجر معروف شد، همراه با سرمقاله «معامله جدید برای این مادر و فرزندانش چه معنایی دارد؟» منتشر شد. در همان روز، لس آنجلس تایمز گزارش داد که روز بعد اداره امداد ایالتی به ۲۰۰۰ نفر میوه‌چین دوره‌گرد در نیپومو جیره غذایی تحویل خواهد داد. خبرنگاران و کمک‌های دولتی بلافاصله به آن اردوگاه فرستاده شد. می‌توان گفت آثار هنری بسیار کمی وجود دارد که برای سوژه‌ی تصویر تسکین بخش باشند، تسکین فوری و واقعی. (Dupêcher, 2018).

در نگاه اول به تصویر، خانواده کارگر کشاورز مهاجر و آواره شامل مادر و چهار فرزندش را می‌بینیم که داخل چادری کهنه و پاره به همراه مقداری خرت و پرت در بیشه‌زار خشک ساکن هستند. این چادر در گوشه یک زمین کشت نخود در اردوگاهی و در جوار شمار زیادی از کارگران فصلی که معیشتشان به علت خشکسالی و از بین رفتن محصولات کشاورزی به سختی می‌گذشت مستقر بود. در مزرعه نخود، به علت یخ‌زدن محصول نخود، هیچ کاری برای مهاجران و کارگران وجود نداشت.

مادر خانواده در کنار چادر نشسته و نوزادی را در آغوش گرفته است. چهره او خسته و نگران به نظر می‌رسد که احتمالاً به دلیل فشارهای روانی ناشی از شرایط سخت زندگی و مسوولیت‌های سنگین خانوادگی است. نگهداشتن نوزاد در آغوش مادر، نشان‌دهنده غریزه مادری و تلاش برای حفاظت از فرزندش حتی در سخت‌ترین شرایط است.

در مرکز تصویر و جلوی چادر، صندلی شکسته‌ای است که دختر بزرگ‌تر با چهره عبوس، موهای نامرتب، پای‌برهنه و

لباسی ساده و کهنه‌ای که بر تن دارد، روی آن نشسته و بر صندلی تکیه داده است. به نظر می‌رسد در اوایل دوره نوجوانی باشد. چهره او نشان‌دهنده خستگی و شاید ناامیدی است. نحوه لم دادن وی بر روی صندلی، تصویری گویا از خستگی مفرط او از کارهای سخت روزمره، مراقبت از خواهران و برادران کوچک‌تر، کمبود غذا و استراحت ناکافی است.

دو کودک کوچک‌تر در کنار مادر ایستاده‌اند. دختر کوچک‌تر با چهره‌ای درهم‌کشیده و زبانی که شاید به‌خاطر شیطنت بیرون آورده و همچنین فرزند دیگر که کلاهی پشمی که ممکن است برای حفاظت از سرما یا گرما استفاده شود بر سر و لبخندی معصومانه بر لب دارد، به دوربین نگاه می‌کنند. لباس‌های ساده و نامرتب آنها نشان‌دهنده فقر و کمبود امکانات است. این کودکان به نظر بی‌حال و خسته می‌آیند، شاید به دلیل نبود غذای کافی و شرایط زندگی سخت باشد. چمدان‌ها و جعبه‌هایی که در جلوی چادر قرار دارند، نشان‌دهنده تمام دارایی‌های این خانواده هستند. دو چمدان که یکی نیمه‌باز و احتمالا حاوی لباس‌ها، ابزارهای پخت‌وپز و دیگر ملزومات زندگی است و چمدان دیگر به‌صورت ایستاده پشت این یکی چمدان نیز دیده می‌شود. وجود چمدان‌ها نماد جابه‌جایی مداوم و بی‌خانمانی است. این خانواده احتمالا به دنبال کار و شرایط زندگی بهتر مجبور به مهاجرت‌های مکرر هستند. صندلی کهنه و فرسوده و ظروف ابتدایی حاکی از نبود امکانات مناسب برای زندگی راحت و تلاش خانواده برای حفظ حداقل استانداردهای زندگی در شرایط سخت است.

در سمت چپ تصویر نیز بطری‌هایی خالی و رها شده قابل‌مشاهده است. باتوجه‌به اینکه پیش‌زمینه به‌صورت غیرواضح ثبت شده است؛ اما درختان پشت چادر و جاده‌ای که جلوی آن است و سپس زمین و بیشه‌زار خشکی که چادر در آن برپا شده است، قابل مشاهده می‌باشد.

لانگ واقعا قدرت تصاویر عکاسی برای انتقال شرایط بسیار پیچیده و ظریف را درک کرده بود. این تصویر به‌وضوح حس غم و ناامیدی را به بیننده منتقل می‌کند. چهره‌های افراد، چادر کهنه و وسایل محدود آنها همگی نشان‌دهنده مبارزه روزمره برای بقا است. این تصویر نمادی از هزاران خانواده‌ای است که در دوران رکود بزرگ با چنین شرایطی مواجه بودند.

تصویر باعث ایجاد حس همدردی و دلسوزی در بیننده می‌شود. دیدن این خانواده در چنین شرایطی به بیننده یادآوری می‌کند که بسیاری از افراد در جهان با مشکلات و سختی‌های بزرگی روبرو و نیازمند کمک و حمایت هستند.

این عکس همچنین می‌تواند بیننده را به تفکر درباره نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و اهمیت حمایت از اقشار ضعیف‌تر جامعه وادارد. این خانواده هر روز با چالش‌های بسیاری برای تامین نیازهای اولیه خود مانند غذا، آب، سرپناه و لباس مواجه هستند. احتمالا اعضای بزرگسال خانواده مجبور به انجام کارهای موقت و کم‌درآمد و اغلب سخت و طاقت‌فرسا هستند و درآمد حاصل از آنها نیز بسیار ناچیز است.

با وجود شرایط سخت، این خانواده نشان‌دهنده استقامت و پایداری هستند. مادر که نوزاد را در آغوش گرفته و دختر بزرگ‌تر که به کمک خانواده می‌آید، همگی نشان‌دهنده تلاشی است که برای حفظ و حمایت از یکدیگر انجام می‌دهند. این عکس نشان‌دهنده حس مشترک انسانیت است. بیننده می‌تواند خود را در جایگاه اعضای این خانواده تصور کند و با درد و رنج آنها همدردی کند و بفهمد که همه انسان‌ها، صرف‌نظر از شرایط زندگی، شایسته احترام و حمایت هستند و وی را به تفکر وادارد و او را نسبت به مسائل اجتماعی و اقتصادی حساس‌تر کند.

این تصویر نه‌تنها مستندی از شرایط زندگی دشوار یک خانواده در دوران رکود بزرگ است، بلکه نمادی از فقر، بی‌خانمانی و مبارزه برای بقا در شرایط سخت است. هر جزء از این تصویر، از چهره‌های غمگین افراد تا چادر کهنه و وسایل محدود، همگی نشان‌دهنده داستانی از تلاش و مقاومت در برابر سختی‌ها است. این عکس می‌تواند بیننده را به تفکر درباره اهمیت حمایت از اقشار ضعیف‌تر جامعه و تلاش برای کاهش نابرابری‌ها و بهبود شرایط زندگی برای همه افراد وادارد.

افسردگی، روستاهای آمریکا بود. لانگ آن قدر این سبک عکس را پسندیده بود که در کتابی به نام «زن روستایی آمریکایی» (۱۹۶۷) تصویر پانزده زن را گنجانده بود. به طوری که پرتره هر زن با تصویری از محیط خودش جفت بود.

عنوان عکس برگرفته از مکالمه‌ای بود که بین لانگ و فیدرسون رخ داده بود. لانگ این مکالمه را ضبط کرده بود: «ما در زمانی که می‌توانستیم کار کنیم، از غوزه‌های [پنبه] پول خوبی به دست آوردیم، اما از ماه مارس دیگر هیچ کاری نبود که انجام بدیم و بیکار شدیم. وقتی به شدت گرسنه می‌شویم، مقداری از همان [پول را خرج می‌کنیم و] می‌خوریم. بدترین کاری که انجام دادیم زمانی بود که ماشین را فروختیم، چون مجبور بودیم آن را بفروشیم تا بتوانیم چیزی بخریم و بخوریم و حالا نمی‌توانیم از اینجا فرار کنیم. اگر خواهرم در انید، چیزی برایم نفرستاده بود، ما داشتیم از گرسنگی می‌مردیم. آوریل گذشته وقتی برف بارید، مجبور شدیم لوییا را بسوزانیم تا گرم بمانیم. تا زمانی که یک سال در اینجا زندگی نکرده باشید، نمی‌توانید در اینجا هیچ آرامشی داشته باشید. این شهرستان یک شهرستان سخت است. آنها به دفن شما در اینجا کمک نمی‌کنند. اگر بمیری، مرده‌ای، همین... ما آن قدر نخود سیاه خوردیم که دیگر هرگز دوست نداشتیم حتی نخود سیاه را ببینیم. ما حتی پالت‌هایی را روی غلاف‌های نخود سیاه و یونجه گذاشته بودیم و روی آنها می‌خوابیدیم. بچه‌هایشان برای خوردن چیزی گریه می‌کنند و شما نمی‌توانید آن را بگیرید. من فقط دعا می‌کردم و دعا می‌کردم و دعا می‌کردم که خدا مراقب ما باشد و نگذارد بچه‌هایم از گرسنگی بمیرند. همه مردم اینجا را ترک کردند و به کالیفرنیا رفتند و در آنجا زندگی می‌کنند. اما ما آن قدر فقیر بودیم که نمی‌توانستیم به کالیفرنیا یا هیچ جای دیگر برویم...» (Mike, ۲۰۱۶)

در این تصویر، نیمرخ زن کشاورز لاغر اندامی با لباس‌های مندرس دیده می‌شود که در میان دشت یا مزرعه‌ای رو به آفتاب داغ ایستاده است. نسیمی که از پشت سرش در حال وزیدن است، لباس و موهایش را به سمت جلو باد زده به طوری که موهای بادزده‌اش را با دستش گرفته تا روی صورتش نیانند. زن به قدری لاغر است که اسکلت بدنش



تصویر ۳. زنی از دشت بزرگ، پنه‌ندل، تگزاس، ۱۹۳۸ (URL4)

تحلیل تصویر ۳. این عکس که «زنی از دشت بزرگ» نام گرفته است، دارای کادری بسته و عمودی است و با نور طبیعی روز، از زاویه پایین^{xxv}، با نمای متوسط^{xxvi} و عمق میدان کم به تصویر کشیده شده است.

«نتی فیدرسون ۴۰ ساله، همسر یک کارگر مهاجر با سه فرزند پسر بود. این تصویر یکی از دو تصویری از دوروتیا لانگ است که در دهه ۱۹۶۰ با عنوان «زنی از دشت بزرگ» به نمایش گذاشته شد و متعاقباً در کتاب‌های عکاسی منتشر شد. ژوئن ۱۹۳۸ بود که دوروتیا لانگ، عکاس مستند اداره حفاظت از مزارع، به «مکان موری» نزدیک کری در شهرستان چیلدرس غربی رفت. لانگ به طور نامحسوس، یک سری عکس سیاه‌وسفید از آنها [خانواده فیدرسون] گرفت و دو نیکل به کن، پسر نت داد. کن در ۴۵ سالگی، هنوز هم به یاد می‌آورد که بیش از ۴۰ سال پیش، عکاسی به مزرعه غبارآلود شمال تگزاس آمده بود و از آنها عکس گرفته بود... عکس‌های دوروتیا لانگ از شهر المور، اوکلاهاما، بومی نتی فیدرسون، بخشی از مستندات گسترده اداره حفاظت از مزارع (FSA) از دوران

حس و حالت زن تمرکز کند. نورپردازی طبیعی در عکس، سایه‌ها و روشنایی‌هایی ایجاد کرده که به عمق و بُعد تصویر افزوده و صورت و حالت‌های زن به‌خوبی نمایان شده است. این امر می‌تواند به تقویت حس واقع‌گرایانه تصویر کمک کند. این نوع کادربندی به‌خوبی حس تنهایی، تفکر و شاید هم نوعی انزوا را منتقل می‌کند.

در دوران رکود بزرگ، زنان نقش‌های حیاتی در خانواده‌ها ایفا می‌کردند، از مراقبت از کودکان گرفته تا انجام کارهای خانگی و حتی کار در مزارع. آنها نه تنها باید با مشکلات اقتصادی کنار می‌آمدند، بلکه باید نقش‌های متعددی را در خانواده و جامعه بر عهده می‌گرفتند و مجبور بودند در شرایط سخت اقتصادی با خلاقیت و مدیریت منابع محدود، خانواده‌ها را به جلو ببرند. در دوران بحران اقتصادی، مردم معمولاً به همبستگی اجتماعی بیشتری برای مقابله با مشکلات اقتصادی و روحی نیاز دارند. تصویر زن می‌تواند نمادی از تلاش‌ها و سختی‌های جمعی باشد که مردم در آن دوران برای بقا و بهبود شرایط زندگی خود تجربه کردند.

این نوع تصاویر معمولاً به‌عنوان هنر مستند شناخته می‌شوند و بازتاب‌دهنده واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی زمان خود هستند. تصاویر مستندی مانند این که اغلب توسط عکاسان بزرگی مثل دوروتیا لانگ گرفته شده‌اند، به نمادی از دوران رکود بزرگ تبدیل شده‌اند و در کتاب‌ها، نمایشگاه‌های هنری و موزه‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند. چنین تصاویری الهام‌بخش نویسندگان، فیلم‌سازان و هنرمندان بوده‌اند. آنها با استفاده از این تصاویر، داستان‌ها و روایت‌هایی درباره سختی‌های زندگی در دوران رکود بزرگ و تلاش‌های مردم برای بقا خلق کرده‌اند.

تصاویر مستندی مانند این باعث افزایش آگاهی عمومی درباره شرایط زندگی مردم در دوران بحران شده و به افزایش حمایت‌های دولتی و برنامه‌های رفاهی کمک کردند. آنها به سیاست‌گذاران نشان دادند که نیازهای فوری و مشکلات واقعی مردم چیست. مردم با دیدن این تصاویر متوجه می‌شوند که دیگران نیز با مشکلات و سختی‌های مشابهی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. این احساس همبستگی می‌تواند به افزایش حمایت‌های اجتماعی و تلاش‌های جمعی برای کمک به افراد

پیداست. قرار دادن دست بر پیشانی نشان دهنده فکرکردن عمیق و ناراحتی ناشی از نگرانی‌های ذهنی یا تلاش برای یافتن راه‌حل برای مشکلات و نیز خستگی شدید روحی و جسمی باشد. نگاه به پایین و خم شدن سر نشانه‌ای از افسردگی و احساس شکست است. دست دیگر زن دور گردنش حلقه زده است که می‌تواند نشانه‌ای از استرس یا نیاز به تسلی و آرامش باشد.

لباس زن ساده، احتمالاً از جنس پنبه، بدون تزیینات و طرح‌های پیچیده است که به نظر می‌رسد مختص کارهای روزانه یا محیط روستایی باشد و معمولاً در میان افرادی که کارهای فیزیکی سنگین انجام می‌دهند رایج است. موهای طبیعی و بدون آرایش زن نشان‌دهنده زندگی روزمره و واقع‌گرایانه‌ای است که در آن اولویت‌ها بیشتر به نیازهای اساسی مربوط می‌شوند تا ظاهر و زیبایی.

پس‌زمینه عکس شامل آسمانی با ابرهای پراکنده است که به‌نوعی تضاد بین فضای باز و وسیع و احساس محدودیت و نگرانی زن را نشان می‌دهد. محیط باز و نبود دیگر افراد یا اشیاء می‌تواند احساس تنهایی یا انزوای زن را تقویت کند. این محیط می‌تواند به‌نوعی به معنای وسعت مشکلات یا چالش‌هایی باشد که زن با آنها مواجه است. تصویر زن در فضای باز می‌تواند به‌نوعی اشاره به مهاجرت‌های اجباری و جستجوی زندگی بهتر داشته باشد.

تصویر از زاویه پایین گرفته شده تا ضعف و ناتوانی جسمی و روحی وی را در شرایط سخت خشکسالی و گرما نشان دهد. سن او به سادگی قابل تشخیص نیست، زیرا خطوط چهره‌اش گویای گذر عمر از بین درد و رنجی است که رکود بزرگ و سال‌های قبل از آن، بر وی تحمیل کرده است. باتوجه‌به داشتن چهره‌ای آفتاب‌سوخته و تکیده، لبخندی نیز بر لب دارد که شاید لبخند کنایه‌آمیزش بر روزگار سختش و یا نمودی از تلفیق خستگی، امید و شجاعتی در پیمودن راه زندگی باشد.

سیاه‌وسفید بودن عکس می‌تواند عمق و درام بیشتری به تصویر ببخشد. این تکنیک باعث تمرکز بیشتر بر روی احساسات و حالت‌های چهره زن می‌شود. نبود رنگ‌ها می‌تواند به بیننده کمک کند تا از جزئیات اضافی دوری کند و بر روی

نیازمند منجر شود.

این تصویر به خوبی توانسته است احساسات عمیق زن را به نمایش بگذارد و نشان‌دهنده بخشی از زندگی یا دوره‌ای تاریخی باشد که با مشکلات و سختی‌های زیادی همراه بوده است. این تصویر نه تنها وضعیت فردی و خستگی روحی و جسمی زن را به نمایش می‌گذارد، بلکه به ما اجازه می‌دهد تا نگاهی عمیق‌تر به شرایط اقتصادی و اجتماعی دوران رکود بزرگ داشته باشیم. به طور کلی، چنین تصاویری به ما کمک می‌کنند تا به فهم بهتری از تاریخ و تأثیرات اجتماعی و اقتصادی بحران‌ها دست یابیم و نقش‌های حیاتی زنان در مقابله با این مشکلات را درک کنیم. بازتاب این عکس در جامعه بسیار گسترده و چندبعدی است. از تأثیرات فرهنگی و هنری گرفته تا اثرات اجتماعی، سیاسی و آموزشی، چنین تصاویری نقش مهمی در شکل‌دهی به فهم و درک جامعه از شرایط گذشته و نیازهای کنونی ایفا می‌کنند.



تصویر ۴. فرهنگ بیل زدن، آلاباما، ۱۹۳۶ (URL5)

تحلیل تصویر ۴. این عکس که «فرهنگ بیل زدن» نام دارد، دارای کادری بسته و عمودی است و با نور طبیعی روز، با زاویه

هم‌تراز چشم، با نمای متوسط و با عمق میدان کم به ثبت رسیده است.

این تصویر در ژوئن ۱۹۳۶ میلادی، توسط دوروتیا لانگ، عکاس اداره حفاظت از مزارع (FSA) آمریکا از کشاورز مهاجری در آلاباما در نزدیکی آنیستون ثبت گردیده است. این عکس سیاه‌وسفید یک صحنه از دوران رکود بزرگ را به تصویر می‌کشد و به وضوح نشان‌دهنده سختی‌ها و چالش‌های زندگی روستایی و کارگری است. در این دوران، بسیاری از خانواده‌ها در فقر مطلق زندگی می‌کردند و از دسترسی به امکانات اولیه مانند لباس، غذا و مسکن محروم بودند.

در این تصویر، نیمه بالایی بدن یک کشاورز یا کارگر مزرعه، از قسمت شانه‌ها تا بالای زانوی وی، دیده می‌شود. دست‌های این فرد مرکز توجه تصویر هستند؛ این دست‌ها به وضوح نشان‌دهنده کار سخت و طولانی‌مدت در مزرعه یا زمین کشاورزی هستند. پوست دست‌ها زبر و خشک به نظر می‌رسد که نتیجه کار فیزیکی شدید و طولانی‌مدت است. خطوط و چروک‌های دست به وضوح نشان‌دهنده سال‌ها کار و تلاش هستند. ناخن‌های بی‌رنگ وی نشان از ضعف و ناتوانی او دارد و کوتاهی و نامرتب آنها، نشان‌دهنده عدم دسترسی به امکانات بهداشتی مناسب است. نحوه گرفتن ابزار نشان‌دهنده تجربه و آشنایی عمیق با کار کشاورزی است. دست‌ها به طرز ماهرانه‌ای ابزار را محکم گرفته‌اند که نمایانگر قدرت و استقامت فرد است. ابزار کشاورزی چوبی که فرد در دست دارد، احتمالاً یک بیل یا چنگک است. ابزار ممکن است نشانه‌هایی از استفاده مکرر و فرسودگی داشته باشد که نشان‌دهنده کار سخت و مداوم در مزرعه است.

پیراهن کهنه و پاره شده به وضوح نشان‌دهنده استفاده مکرر و تعمیرات مکرر است. پارچه پیراهن به شدت نخ‌نما شده و چندین سوراخ و پارگی دارد که شاید با دوخت و دوزهای ابتدایی تعمیر شده‌اند. این پیراهن احتمالاً از مواد ارزان‌قیمت مانند کتان یا پارچه‌های نخی ساخته شده که به راحتی فرسوده می‌شوند. شلوار نیز همانند پیراهن، کهنه و نخ‌نما است. رنگ پارچه به دلیل شستشوی مکرر و استفاده طولانی‌مدت کم‌رنگ شده و چندین پارگی دارد که نمایانگر شرایط سخت زندگی است. جیب‌های پاره، دکمه‌های افتاده و

الهام‌بخش برای نسل‌های آینده باقی می‌مانند و نقش بسزایی در شکل‌گیری افکار و اقدامات اجتماعی دارند. این عکس به‌وضوح تأثیرات بحران اقتصادی رکود بزرگ را بر زندگی مردم عادی نشان می‌دهد. لباس‌های کهنه و پاره، دست‌های زبر و چروک‌خورده، ابزارهای ساده و ابتدایی و محیط روستایی همه نشان‌دهنده شرایط سخت زندگی و فقر شدید هستند. این تصویر نمادی از مقاومت و استقامت انسان‌ها در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی است و به ما یادآوری می‌کند که در مواجهه با بحران‌ها، عزت‌نفس و تلاش برای بقا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین این عکس به‌عنوان یک سند تاریخی ارزشمند، پیام‌هایی از تاریخ و تجربیات انسانی را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کند و به آن‌ها یادآوری می‌کند که باوجود همه مشکلات، می‌توان با امید و تلاش به آینده‌ای بهتر دست یافت.



تصویر ۵. فیلیپینی‌ها کاهو می‌چینند، دره سالیناس، کالیفرنیا، ۱۹۳۵
(URL6)

تحلیل تصویر ۵. این عکس که «فیلیپینی‌ها کاهو می‌چینند» نام دارد، دارای کادری باز و افقی به رنگ سیاه‌وسفید است و با نور طبیعی روز، از زاویه پایین، با نمای دور و عمق میدان گسترده به ثبت رسیده است. در ژوئن ۱۹۳۵ میلادی، لانگ که برای اداره امنیت مزرعه کار می‌کرد، به طرز مشهوری از کارگران مهاجر و شرایط سختی

دوخت‌های ناصاف نشان‌دهنده تلاش‌های مکرر برای نگهداری و تعمیر لباس‌ها با حداقل امکانات موجود هستند. پس‌زمینه به‌وضوح قابل‌مشاهده نیست، اما خطوط مبهمی از زمین کشاورزی یا مزرعه در دوردست و مناطق روستایی دیده می‌شود. نورپردازی طبیعی و سایه‌های نرم نشان‌دهنده روزی آفتابی و کار طولانی و سخت در مزرعه است. با توجه به سایه - روشن‌هایی که در تصویر وجود دارد می‌توان حدس زد که نیمه‌های روز و حدود ظهر هست؛ چون نور از بالای سرش بر وی تابیده و سایه‌هایی را زیر گردن، دست‌ها، دسته بیل و لبه‌های کتش به وجود آورده است.

عکاس سر و پاهای کشاورز را در تصویر نگنجانده است و تنها نیمه بالای تن فرد را با وضوح بالا از پس‌زمینه غیرواضح ثبت نموده است، شاید به این دلیل که با تأکید بر نوع پوشش آن شخص و تنها سرمایه و وسیله کارش (بیل)، وضعیت بسیار بد اقتصادی، فقر، سختی امرار و معاش مردم آن شهر یا کشور را به تصویر بکشد. این عکس به‌وضوح پیام تلاش و استقامت را منتقل می‌کند. فرد در عکس نمایانگر کسی است که باوجود همه مشکلات و سختی‌ها همچنان به کار خود ادامه می‌دهد و تسلیم نمی‌شود. دست‌های کارکرده و لباس‌های کهنه، نماد استقامت و پشتکار در برابر شرایط سخت هستند. لباس‌های کهنه و دست‌های زبر و چروک‌خورده نشان‌دهنده فقر و نابرابری اقتصادی هستند.

این عکس به‌وضوح تفاوت‌های طبقاتی و وضعیت دشوار زندگی کارگران و کشاورزان را به تصویر می‌کشد. ابزارهای ساده و ابتدایی نشان‌دهنده عدم دسترسی به امکانات و تکنولوژی‌های مدرن است که می‌تواند نمادی از نابرابری اجتماعی و اقتصادی باشد. باوجود شرایط سخت، فرد در عکس کرامت و احترام خود را حفظ کرده است. نحوه ایستادن و گرفتن ابزار نشان‌دهنده غرور و عزت‌نفس است. این عکس به‌عنوان یک سند تاریخی، پیام قدرتمندی از مقاومت و امید در برابر ناملایمات را منتقل می‌کند.

بازتاب این عکس‌ها در جامعه نه‌تنها به افزایش آگاهی و همدلی عمومی کمک کردند، بلکه به تغییرات اجتماعی و سیاسی مهمی نیز منجر شدند. این تصاویر به‌عنوان اسناد تاریخی و فرهنگی ارزشمند، همچنان به‌عنوان منابعی

بیشتر مطالبه می‌کردند.» (Virgil N. de la Victoria, ۲۰۱۳)

در این تصویر، شش نفر دیده می‌شود که در حال جمع‌آوری محصول هستند. کشاورزان در حال خم شدن و کار کردن هستند که نشان‌دهنده کار سخت و طاقت‌فرسا است. این وضعیت بدنی به‌وضوح تلاش و کوشش زیاد آن‌ها را برای بقا و زنده ماندن نشان می‌دهد. لباس‌های کشاورزان ساده و کاربردی است و بیشتر برای محافظت از آن‌ها در برابر شرایط سخت محیطی طراحی شده است.

یک شیار خشک و ترک‌خورده پیش‌زمینه سمت راست را پر کرده است. کم‌آبی و خشکسالی در زمین ترک‌خورده و کاهوهای کم طراوت به‌وضوح مشهود است. زمین خشک زیر پای کشاورزان بحران آب و خشکسالی شدید، تأثیرات گردوغبار و رکود بزرگ بر کشاورزی و زمین‌های زراعی را نشان می‌دهد. گیاهانی که در زمین رشد کرده‌اند نشان‌دهنده تلاش کشاورزان برای کشت و کار در شرایط بسیار سخت هستند. باوجود زمین خشک و ترک‌خورده، آن‌ها همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. آسمان ابری و تیره، احساس ناخوشایندی را به تصویر اضافه می‌کند و به طور نمادین شرایط سخت و چالش‌برانگیز زندگی را نشان می‌دهد.

از سایه‌روشن‌های عکس مشخص است که احتمالاً اول‌های روز باشد و آفتاب خیلی شدید نیست. از نوع پوشش و فیگور بدنشان به نظر می‌رسد مرد باشند. مردهایی با اندام باریک و کوتاه‌قد با پیراهن آستین‌دار و کلاه‌هایی بلند جهت سایه‌بان صورت هستند. تعدادی نیز پارچه‌هایی به سر بسته‌اند تا مانع از گرم‌زدگی و ریختن عرق بر چهره‌شان گردد. آن‌ها از کمر خم شده‌اند و همه به‌ردیف و هر یک در شیری از شیارهای کاشت کاهو قرار گرفته و مشغول چیدن یا بریدن کاهو هستند. وضعیت خمیده آن‌ها حس خستگی و تلاش مداوم را به تصویر می‌کشد.

تصویر با عمق میدان گسترده ثبت شده است تا اکثر جزئیات محیط را به‌وضوح نشان دهد. عکاس از زاویه‌ای پایین به کشاورزان نگاه کرده که به تصویر عمق و حس قدرت بیشتری می‌دهد. این زاویه همچنین به جزئیات زمین و گیاهان تأکید بیشتری می‌بخشد. کشاورزان در یک خط افقی مرتب شده‌اند

که تجربه می‌کردند عکس گرفت و این یکی از آن تصاویر هست. این عکس یک تصویر سیاه‌وسفید از چندین کشاورز را نشان می‌دهد که در یک مزرعه مشغول کار هستند. کشاورزان در حال خم شدن و کار کردن در میان ردیف‌های گیاهان به تصویر کشیده شده‌اند. زمین زیر پای آن‌ها خشک و ترک‌خورده به نظر می‌رسد و آسمان ابری و تیره است. عکس از زاویه‌ای پایین گرفته شده که به جزئیات زمین و کشاورزان تأکید بیشتری می‌بخشد. در دوران رکود بزرگ در ایالات متحده بسیاری از کشاورزان با شرایط بسیار سخت اقتصادی و آب‌وهوایی مواجه بودند. خشک‌سالی‌های شدید، معروف به گردوغبار بزرگ^{xxvi}، زمین‌های کشاورزی را ویران کرد و زندگی بسیاری از کشاورزان را تحت‌تأثیر قرار داد.

«در آغاز قرن بیستم، ایالات متحده... منحصرأ برای نژاد سفیدپوست‌ها یا مهاجران کشورهای اروپایی بود. کسانی که از آسیا می‌آمدند تحت قوانین تحقیرآمیز قرار گرفته، خصومت اجتماعی و تبعیض نژادی نیز به‌عنوان عاملی بازدارنده برای آمدن آن‌ها به کشور بود. سفیدپوست‌ها از «خطر زرد» می‌ترسیدند و مقامات، علاوه بر سایر اقدامات، ازدواج‌های نژادی بین شرقی‌ها و زنان سفیدپوست را برای حفظ خلوص قومی آن‌ها ممنوع کرده بودند.

جمعیت فیلیپینی در سرزمین اصلی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۳۰ به ۴۵،۲۰۸ نفر رسیده بود. به این دلیل که فیلیپینی‌ها مستقیماً توسط دولت ایالات متحده اداره می‌شدند و از این‌رو تابعیت ایالات متحده محسوب می‌شدند و دیگر بر خلاف سایر گروه‌های قومی، مشمول محدودیت‌های مهاجرت نبودند. با این حال، در این دوره، تنها مشاغلی که برای آن‌ها باز شد خدمات خانگی، صنعت ماهیگیری در آلاسکا و کشاورزی بود، غیر از این، آن‌ها بیکار بودند.

به قول یکی از مدیران هتل در سن خوزه، فیلیپینی‌ها خدمتگزاران خوبی بودند، زیرا آن‌ها مستعد چاپلوسی، خدمتگزار و همیشه صبور و مطیع بودند و از صمیم قلب مایل به خدمت به دیگران بودند. در کشاورزی، مردان کوتاه‌قد مانند فیلیپینی‌ها ترجیح داده می‌شدند، زیرا می‌توانستند روی دست‌ها و زانوهای خود بنشینند و تمام روز برای دست‌مزد ناچیز کار کنند، بر خلاف انگلوس‌های بلندقدتر که همیشه

که به تصویر حس نظم و یکنواختی می‌دهد و تلاش جمعی آن‌ها را برجسته می‌کند. این ترکیب‌بندی حس اتحاد و همبستگی بین کشاورزان را نشان می‌دهد. تصویر به صورت سیاه‌وسفید ثبت شده است تا واقعیت انکارناپذیر سرگذشت انسان‌هایی که دچار فقر و فلاکت ناشی از خشکسالی و رکود اقتصادی شده‌اند را به تصویر بکشد.

خشکی و ترک‌خوردگی زمین و لباس‌های ساده کشاورزان نشان‌دهنده فقر و نابرابری اقتصادی است و به وضوح تفاوت‌های طبقاتی و وضعیت دشوار زندگی کشاورزان را به تصویر می‌کشد. کشاورزان در حال کار جمعی هستند که به نوعی همبستگی و همکاری در مواجهه با چالش‌ها را نشان می‌دهد. این تصویر پیام امید و همکاری در برابر ناملایمات را منتقل می‌کند.

این عکس به وضوح تأثیرات بحران اقتصادی رکود بزرگ را بر زندگی کشاورزان نشان می‌دهد. این تصویر نه تنها به عنوان یک سند تاریخی مهم به ما یادآوری می‌کند که انسان‌ها چگونه در برابر مشکلات مقاومت می‌کنند، بلکه پیام‌های امید و همکاری در مواجهه با چالش‌ها را نیز منتقل می‌کند. این عکس‌ها به عنوان اسناد تاریخی و فرهنگی ارزشمند، همچنان به عنوان منابعی الهام‌بخش برای نسل‌های آینده باقی می‌مانند و نقش بسزایی در شکل‌گیری افکار و اقدامات اجتماعی دارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. تبیین کارکردهای اجتماعی در ارزیابی عکس «مادر مهاجر» (نگارندگان)

نام اثر و تاریخ		مادر مهاجر-۱۹۳۶
فرم	کادر	عمودی و بسته
	ترکیب‌بندی	ترکیب‌بندی قوی با خطوط مورب
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم‌سطح
	نما	پرتره نیم‌تنه
	عمق میدان	متوسط تا عمیق
	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	فقر شدید و بیکاری
محتوا	تأثیرات اجتماعی	تأثیرات روانی و عاطفی عمیق بر خانواده‌ها (نشان‌دهنده نگرانی‌ها و سختی‌های روزمره)
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	تمایل به ثبت واقعیت‌های تلخ و سخت زندگی مردم، استفاده از نور طبیعی، زوایای واقع‌گرایانه در عکس‌ها
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	جلب توجه عمومی به وضعیت نابسامان مهاجران، افزایش آگاهی مردم و مسوولین نسبت به مشکلات اقتصادی و اجتماعی
	رنالایسم اجتماعی	نمایش واقعیت‌های سخت زندگی روزمره و احساسات درونی افراد، بازتاب نگرانی و ناامیدی
	پیام و مضمون	نمایش سختی‌ها و مشکلات زندگی در دوران رکود بزرگ، تأکید بر استقامت و تلاش مردم برای بقا در شرایط سخت

جدول ۲. تبیین کارکردهای اجتماعی در ارزیابی عکس «خانواده کارگر کشاورز مهاجر» (نگارندگان)

نام اثر و تاریخ		خانواده کارگر کشاورز مهاجر-۱۹۳۶
فرم	کادر	افقی و باز
	ترکیب‌بندی	متعادل
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم‌سطح
	نما	دور
	عمق میدان	گسترده
	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	بیکاری و مهاجرت
محتوا	تأثیرات اجتماعی	تلاش برای بقا و همبستگی خانوادگی
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	استفاده از نور طبیعی، نماهای دور و هم‌تراز چشم، عمق میدان گسترده
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی نسبت به وضعیت نابسامان مهاجران کشاورز، جلب توجه مردم و مسوولین به مشکلات اقتصادی و اجتماعی
	رنالایسم اجتماعی	نمایش شرایط سخت کشاورزان و مهاجرت، تأکید بر تلاش و استقامت خانواده‌ها
	پیام و مضمون	نمایش فقر و تلاش مردم برای بقا در شرایط سخت، تأکید بر اهمیت توجه به وضعیت فقرا و تلاش برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی

جدول ۳. تبیین کارکردهای اجتماعی در ارزیابی عکس «زنی از دشت بزرگ» (نگارندگان)

نام اثر و تاریخ		زنی از دشت بزرگ - ۱۹۳۸
فرم	کادر	عمودی و بسته
	ترکیب‌بندی	ترکیب‌بندی ساده
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم سطح
	نما	بسته
	عمق میدان	کم
	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	ناامیدی و یاس ناشی از فقر و بیکاری
محتوا	تأثیرات اجتماعی	تأثیرات روانی رکود بر افراد (نمایش یاس و ناامیدی)
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	استفاده از نور طبیعی، نماهای دور و هم‌تراز چشم، عمق میدان گسترده
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی نسبت به وضعیت زنان و خانواده‌های فقیر در دوران رکود
	رنالیسم اجتماعی	نمایش یاس و ناامیدی فردی و تأثیرات عمیق روانی رکود بر افراد
	پیام و مضمون	نمایش تلاش‌ها و مقاومت مردم برای بقا، تأکید بر اهمیت توجه به وضعیت فقرا و تلاش برای کاهش نابرابری‌های اجتماعی

جدول ۴. تبیین کارکردهای اجتماعی در ارزیابی عکس «فرهنگ بیل زدن» (نگارندگان)

نام اثر و تاریخ		فرهنگ بیل زدن - ۱۹۳۶
فرم	کادر	عمودی و بسته
	ترکیب‌بندی	ترکیب‌بندی شلوغ با تمرکز بر افراد برای نمایش شرایط نامناسب زندگی
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم‌سطح
	نما	میان
	عمق میدان	متوسط
	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	شرایط نامناسب زندگی و کار
محتوا	تأثیرات اجتماعی	زندگی دشوار و شرایط سخت مهاجران
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	استفاده از نور طبیعی، نماهای هم‌تراز چشم، عمق میدان کم
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	افزایش آگاهی عمومی نسبت به وضعیت سخت کارگران کشاورز، جلب‌توجه مردم و مسوولین به مشکلات اقتصادی و اجتماعی
	رنالیسم اجتماعی	نمایش شرایط سخت و زندگی دشوار کارگران مهاجر، تأکید بر جامعه و همبستگی گروهی
	پیام و مضمون	نمایش کار طاقت‌فرسای کارگران کشاورز در شرایط سخت، تأکید بر اهمیت و تلاش کشاورزان در توسعه کشاورزی و اقتصاد کشور

جدول ۵. تبیین کارکردهای اجتماعی در ارزیابی عکس «فیلیپینی‌ها کاهو می‌چینند» (نگارندگان)

نام اثر و تاریخ		فیلیپینی‌ها کاهو می‌چینند - ۱۹۳۶
فرم	کادر	مربع و باز
	ترکیب‌بندی	ترکیب‌بندی باز و گروهی
	نورپردازی	نور طبیعی
	زاویه دید	هم‌سطح
	نما	گسترده
	عمق میدان	گسترده
محتوا	تأثیرات اقتصادی رکود بزرگ	شرایط سخت کار و بیکاری
	تأثیرات اجتماعی	شرایط سخت کار و تلاش برای بقا
	تأثیرات بحران اقتصادی بر سبک عکاسی	استفاده از نور طبیعی، نماهای دور و زاویه پایین، عمق میدان گسترده
	تأثیرات بازتاب عکس در جامعه	آگاهی عمومی نسبت به وضعیت سخت کارگران مهاجر، تغییرات اجتماعی و سیاسی، جلب‌توجه مردم و مسؤولین به مشکلات اقتصادی و اجتماعی
	رنالایسم اجتماعی	نمایش شرایط کار سخت و محیط کاری، تأکید بر استقامت و تلاش کارگران
	پیام و مضمون	استقامت و تلاش، فقر و نابرابری، همبستگی و کار جمعی

۴. نتیجه‌گیری

آگاهی عمومی، تحریک احساس همدلی و حتی تاثیرگذاری بر سیاست‌های حمایتی دولت کمک کند. آثار دوروتیا لانگ نمونه‌ای برجسته از تحقق این کارکردها هستند و نشان می‌دهند که هنر مستند می‌تواند به‌طور مستقیم با ساختارهای اجتماعی تعامل داشته و نقش فعالی در اصلاحات اجتماعی ایفا کند.

در نهایت، این تحقیق تأکید می‌کند که استفاده هدفمند از عکاسی مستند در پژوهش‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری، می‌تواند به درک بهتر مسائل جامعه و ارتقای حساسیت اجتماعی کمک کند و الهام‌بخش نسل‌های آینده در بهره‌گیری از هنر برای تغییرات مثبت اجتماعی باشد.

پژوهش حاضر نشان داد که عکاسی مستند، فراتر از ثبت صرف وقایع، می‌تواند نقش فعالی در آگاهی‌بخشی اجتماعی و ایجاد تغییرات فرهنگی و سیاسی ایفا کند. آثار دوروتیا لانگ در دوران رکود بزرگ اقتصادی نمونه‌ای شاخص از این ظرفیت هستند؛ تصاویری چون «مادر مهاجر» یا «خانواده کارگر کشاورز مهاجر» نه تنها شرایط دشوار زندگی مردم را مستندسازی کردند، بلکه احساس همدلی، همبستگی و مسئولیت اجتماعی را در جامعه برانگیختند و توجه سیاست‌گذاران و عموم مردم را به ضرورت اصلاحات اجتماعی جلب نمودند.

تحلیل محتوای آثار لانگ نشان داد که استفاده او از ترکیب‌بندی متقارن، نورپردازی طبیعی، عمق میدان مناسب و زاویه دید هوشمندانه، توانسته است واقعیت‌های اجتماعی پیچیده را به شکلی قابل فهم و تاثیرگذار به مخاطب منتقل کند. این عکس‌ها به‌عنوان اسناد تاریخی و فرهنگی، نقش مهمی در ثبت تجربه انسانی و انتقال مفاهیم عدالت، فقر، مهاجرت اجباری و مقاومت اجتماعی ایفا کرده‌اند.

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که عکاسی مستند به‌عنوان یک ابزار هنری-اجتماعی، قادر است به ایجاد

کتاب‌نامه

- URL1:
<https://www.moma.org/collection/works/۵۶۴۷۸>
- URL2: <https://www.moma.org>
- URL3:
<https://www.moma.org/magazine/articles/233>
- URL4:
<https://www.moma.org/collection/works/56483>
- URL5:
<https://www.moma.org/collection/works/44470>
- URL6:
<https://www.moma.org/collection/works/55612>

- باتس، ویلفرید (۱۳۹۰). کاغذ و آینه [تاریخ فشرده عکاسی]. (ترجمه کیارنگ علایی)، تهران: نشر حرفه هنرمند.
- بتس، ویلفرید (۱۳۹۰). کتاب نقره‌ای [تاریخ فشرده عکاسی]. (ترجمه کیارنگ علایی)، تهران: نشر حرفه هنرمند.
- حمیدیان، تورج و توکلی، شهریار (۱۳۹۲). حرفه عکاس، تهران: نشر حرفه هنرمند.
- روزنبوم، نیومی (۱۴۰۰). تاریخ جهانی عکاسی، (ترجمه کریم متقی)، تهران: نشر کتاب پرگار.
- سانتاگ، سوزان (۱۳۹۰). درباره عکاسی، (ترجمه مجید اخگر)، تهران: نشر نظر.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۴۰۰). مردم‌نگاری هنر، تهران: نشر فخرآکیا.
- فروند، ژیزل (۱۴۰۰). جامعه‌شناسی عکاسی، (ترجمه مریم وحدتی)، تهران: نشر کتاب آبان.
- گلچین کوهی، رضا (۱۳۸۹). «عکاسی مستند در دوره پست مدرنیسم»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. دانشکده هنرهای تجسمی.
- لنگفورد، مایکل جان (۱۳۹۸). داستان عکاسی، (ترجمه رضا نبوی)، تهران: نشر افکار جدید.
- لوکاج، گ. (۱۳۸۱). پژوهشی در رئالیسم اروپایی، (ترجمه اکبر افسری)، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- ولز، لیز (۱۳۹۲). عکاسی: درآمدی انتقادی، (ترجمه سلماز ختایی‌لو و دیگران)، تهران: انتشارات مینوی خرد.
- هژیر، لنا؛ عصار کاشانی، الهام و عرب، مهین (۱۳۹۹). «مطالعه‌ی تأثیر رکود بزرگ بر آثار عکاسی مستند دوروتیا لانگ و واکر اونز»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۹، صص ۱۹-۱۴.

- Dupêcher, N.(2018). "Dorothea Lange". <https://www.moma.org/artists/3373>
- Mike,G.(2016). "Dust, Drought, and Depression #3". <https://exit۷۸.com/nettie-featherston-#/۱۹۳۸>
- Virgil N. de la Victoria (2013). "The Travails of Early Filipinos In America". <https://www.positivelyfilipino.com/magazine/the-travails-of-early-filipinos-in-america>

xv Ben Shan
xvi Arthur Rothstein
xvii Carl Mydans
xviii Florence Owens Thompson
xix eye level angle
xx Shallow DoF
xxi Medium Close-up
xxii Long Shot
xxiii Deep DoF
xxiv Natalie Dupêcher
xxv low level up
xxvi Medium Shot
xxvii Dust Bowl

i Willfried Battz
ii Farm Security Administration
iii Gisele Freund
iv Naomi Rosenblum
v Eugene Atget
vi Roland Barthes
vii Howard Becker
viii Auguste Comte
ix Louis Daguerre
x Calvinistic
xi Franklin Delano Roosevelt
xii Walker Evans
xiii Dorothea Lange
xiv Russell Lea

